

ماهنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی^۱

سال سیزدهم - شماره اول - فروردین ۱۳۹۹ - شماره پیاپی ۴۷

سبک‌شناسی آثار طنز ابوالفضل زرویی نصرآباد

(ص ۱-۱۸)

رضا پوردهقان اردکان، اصغر رضاپوریان (نویسنده مسئول)، محمد حکیم آذر^۴

تاریخ دریافت و پذیرش مقاله: زمستان ۱۳۹۶

چکیده

ابوالفضل زرویی نصرآباد از موفقترین و مشهورترین چهره‌های طنزپرداز پس از پیروزی انقلاب اسلامی و پرورش یافته مکتب گل‌آقاست. در این پژوهش با روش تحلیلی و توصیفی به سبک‌شناسی آثار طنز وی پرداخته شده است. یافته‌های پژوهش بیانگر آنست که نقیضه گویی و آیرونی دو شگرد طنزآفرینی هستند که از بسامد بسیار بالایی در آثار وی برخوردارند. طنز نوشته‌های نخستین وی تحت تاثیر شرایط و مسائل سیاسی و اجتماعی و به تقلید از شیوه رایج مجلات فکاهی عصر خود به انتقاد از مسائلی چون: مشکلات اقتصادی، نابسامانی در اوضاع خدمات شهری، ازدواج جوانان، گرانی و ... میپردازد. زرویی بمرور زمان با ممارست و استفاده صحیح از استعداد طنز خلاقانه خود به سبک شخصی دست پیدا کرده است که حاصل پرداختن به طنزهای فلسفی با گستردگی معنا و محتواست و دامنه شمول آن محکوم به زمان و مکان نیست. استفاده از زبان تاریخی برای بیان دغدغه‌های انسان امروزی، در آمیختن گفتمانهای مشهور از طریق نقیضه گویی، نگاه آیرونیک به مسائل پیرامون خود، انتخاب زبان محاوره، بیان فرهنگ عامه و کاربرد ضرب‌المثل‌هایی که بعضاً از ساخته‌های خود اوست، از مهمترین ویژگیهای سبکی آثار طنز زرویی است.

کلمات کلیدی: ابوالفضل زرویی نصرآباد، سبک‌شناسی، طنز، نقیضه، آیرونی

۱- از ابتدای سال ۹۸ به دستور وزارت علوم، تمام مجلات علمی پژوهشی کشور به مجلات علمی تغییر نام داده اند.

۲- دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران (مسئول مکاتبات)

۳- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران (نویسنده مسئول) rezaporian@gmail.com

۴- دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران

Stylistics of Comic effects Abolfazl Zarroie Nasrabad

Reza Pourdehghan Ardekan¹, Asghar Rezaporian² (Corresponding Author), Mohammad Hakimazar³

Abstract

Abolfazl Zarroi Nasr Abad is one of the most successful and most celebrated figures of satire after the victory of the Islamic Revolution and raised the school of GOLAGHA. In this research by analytical and descriptive method the stylistics of his satirical works has been studied. The findings of the research indicate that the irrational and irony are two comrades of very high frequency.

The humor of his first writings disruptions in the situation of urban services influenced by the political and social contexts and the imprint of the popular manner in which his periodical journals the marriage of youth criticized such issues as: economic problems and expensive. Over the course of time Zarroi has achieved personal use of his creative comedy talent in a personal style resulting in a philosophical satire extending to meaning and content whose scope is not condemned to time and place. The use of historical language to express contemporary human concerns the choice of the language of conversation which are sometimes his own works the combination of popular discourses through controversy the expression of popular culture are one of the most important features the archetypal look of the issues surrounding it and the use of proverbs.

Key words: abolfazl zarroi nasrabad, stylistics, satire, parody, irony

¹ - PhD student, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Shahrekord Branch, Islamic Azad University, Shahrekord, Iran (Corresponding Author).

² - Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Shahrekord Branch, Islamic Azad University, Shahrekord, Iran. (rezaporian@gmail.com)

³ - Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Shahrekord Branch, Islamic Azad University, Shahrekord, Iran.

مقدمه

ابوالفضل زرویی نصرآباد از طنزنویسان مطرحی است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی بکار طنز در مجلات فکاهی پرداخته است. عمده شهرت وی بدلیل همکاری با مرحوم کیومرث صابری فومنی در مجله طنز گل آقاست. گل آقا در سالهای پس از پیروزی انقلاب، مهمترین و جدیترین مجله طنز و فکاهی بود که بدلیل حضور استعدادهای کم نظیر طنز و همچنین سردبیر و محتوای مطالب طنز آن با اقبال عمومی مواجه شده بود.

زرویی نصرآباد علاوه بر نویسندگی، مدتی نیز سردبیر گل آقا بوده است. وی پس از تعطیلی این مجله، کار خود را در روزنامه‌های فراوان دیگری ادامه داد. نامهای مستعار زرویی در طول دوران طنزنویسی‌اش در مجلات مختلف از تنوع زیادی برخوردار است. آمیزممتقی، مُلا، ملانصرالدین، ننه قمر، چغندر میرزا، کلثوم ننه، میرزا یحیی و... از مهمترین نامهای ادبی وی است. او حتی در مرحله‌ای پای نوشته‌هایش اثر انگشت را بجای نام مستعار برگزیده است.

آثار زرویی نصرآباد در زمینه طنز هم بصورت منظوم و هم منثور دارای تنوع است. تذکره المقامات، رفوزه‌ها و اصل مطلب از آثار منظوم وی و غلاغه به خونش نرسید و خاطرات حسنعلی خان مستوفی از نمونه‌های طنز منثور و داستانی وی است.

اهمیت و سابقه پژوهش

طنز همواره نوعی ادبی جذاب و تاثیرگذاری است که رواج آن نسبتی معکوس با آزادی بیان دارد. در جوامعی که از خفقان سیاسی برخوردار هستند، طنز یکی از شیوه‌های بیان انتقادی است که در لفافه سخنان سمبولیک و بصورت غیرمستقیم میکوشد تا کورسویی امید بخش و آگاهی دهنده به مخاطبان خود باشد. با بررسی طنز زرویی نصرآباد بعنوان یکی از پیشقراولان طنز پس از پیروزی انقلاب ایران که سبب تاثیرگذاری در دو نسل از طنز پردازان پس از خود شده است، میتوان به دغدغه‌ها، شیوه و سبک بیان وی بعنوان یکی از سرشناسترین طنز پردازان معاصر پی برد.

در بررسی و مطالعات مربوط به پیشینه موضوع پژوهش، به دو پایان نامه با موضوع زرویی نصرآباد برخوردیم. نخست «نقد ساختاری غلاغه به خونش نرسید، اثر ابوالفضل زرویی نصرآباد» کار مشترک نسرین فقیه ملک مرزبان، مریم حسینی و سارا غلامی (۱۳۹۱) و دوم: «بررسی محتوایی طنز در اشعار محمد صالحی آرام، خلیل جوادی و ابوالفضل زرویی نصرآباد» کار مشترک مهدی خادمی کولایی و حمیده پریدل (۱۳۹۱) است. هر دو اثر به بخش کوچکی از آثار زرویی، بصورت مقایسه‌ای و فارغ از نگاه سبک‌شناسانه پرداخته‌اند. که با اهداف این پژوهش در تناقض است.

بحث و بررسی

بامطالعه و بررسی آثار طنز زرویی نصرآباد، مهمترین ویژگیهای سبکی وی بدین شرح است:

۱- استفاده از قالب قصه‌های کهن برای بیان مسائل امروزی

استفاده از عناصر داستانی کهن و عامیانه با هدف آفرینش داستانهای طنز، مورد توجه بسیاری از طنزپردازان بوده است. آنچه اهمیت دارد میزان استفاده صحیح از این عناصر است که مانوس بودن طنزپرداز با این متون، از شروط لازم آن است.

استفاده از این سبک نوشتار در بسیاری از آثار زرویی نصرآباد مشهود است. زرویی با تسلط و تبحری که بدلیل انس با متون کهن ادبی دارد و از آنجا که «اصل در آفرینش یک هنر، در درجه اول برقرار کردن ارتباط با مخاطب است» (بررسی عناصر داستان ایرانی، حداد، ص: ۵۳) این مهارت را بدست آورده تا از این طریق رضایت مخاطب را فراهم کند. در مجموعه داستانهای کوتاه «غلاغه به خونش نرسید» که مشتمل بر ۵۶ داستان است، اساس سبک زرویی در طنزپردازی، بیان مسائل امروزی در قالب قصه‌های کهن است.

هر بخش از داستانهای این اثر با عنوان «یکی بود یکی نبود، غیر از خدا هیچکس نبود» آغاز و در پایان نیز با جمله «ما از این داستان نتیجه میگیریم که» به پایان میرسد. جملاتی که در قالب قصه‌های کهن، برای مخاطب بسیار آشنا و همراه با التذاذ ادبی است. این سبک از نوشتار سبب شده است تا زرویی بتواند در بستری از قصه‌های کهن آنچه را که مورد انتقاد اوست و در بین قشر قابل توجهی از مردم از پذیرش عمومی برخوردار است، بخوبی بیان کند. ویژگیهای سبکی وی در استفاده از قالب کهن برای بیان دغدغه‌های انسان امروزی شامل موارد زیر میشود:

۱-۱- خلاقیت در شخصیت آفرینی

در داستان زیر واژه «أخیک» از ساخته‌های زرویی و نامی است که آنرا جایگزین غول چراغ جادو کرده است. در طول داستان، آمیختگی این واژه با نمادهای رایج فرهنگ عامه از قبیل: دختر شاه پریان و باباخارکن از شگردهایی است که در طنزنویسی، کم نظیر است.

در این داستان که به هدف پرداختن به موضوع درآمدهای بادآورده از طریق جعل اسناد دولتی و رانت میپردازد، شروع داستان به اینگونه است: «یکی بود یکی نبود، غیر از خدا هیچکس نبود. روزی روزگاری یک مرد خارکنی بود در پرت آباد. یک روز که رفته بود برای خارکنی، خسته شد و رفت کنار چشمه و قدری آب خورد و گفت: آخی! ناگهان أخیک سلطان هفت دریا، سر از چشمه در آورد و گفت: سلام بابا خارکن. چه فرمایشی داشتی؟ بابا خارکن آهی کشید و گفت: کم کم دارم چهل ساله میشوم و هنوز زن ندارم. در یک چشم بهم زدن، دختری مثل پنجه آفتاب، لب چشمه آب پیدا شد. أخیک گفت: بفرما این

هم زنی که میخواستی. دختر به خارکن گفت: ای خارکن، بدان و آگاه باش، من دختر شاه پریان هستم و عقد من و تو را در آسمانها بسته‌اند.

بابا خارکن خوشحال شد و با زنش راه افتاد که برود بخانه. یک دفعه با خودش فکر کرد که ای دل‌غافل، من که خانه ندارم. این شد که دوباره برگشت، لب‌چشمه، قدری آب خورد و گفت: اُخی. دوباره اُخیک از آب بیرون آمد و گفت: سلام بابا خارکن. خواسته‌ای داری؟

بابا خارکن گفت: ای برادر، من خانه ندارم. اگر التفاتی بکنی و یک غاری برای زندگی در اختیارمان بگذاری، منت پذیرت می‌شویم. اُخیک گفت: یک ساختمان ویلایی دوبلکس میله با استخر و سونا و جکوزی، حوالی تجریش و نیاوران برایت سراغ دارم. چطور است؟ خارکن گفت: بد نیست. در یک چشم بهم زدن سند منگله دار یک ساختمان ویلایی، از آسمان افتاد پیش پای بابا خارکن و اُخیک ناپدید شد. بابا خارکن دست زنش را گرفت و راه افتاد که برود بسمت نیاوران. دختر شاه پریان گفت: تو که از اُخیک این همه چیز گرفتی، یک چهارپایی هم می‌گرفتی که دو تایی، ترکش بنشینیم و برویم.

خارکن آمد لب‌چشمه و دوباره مقداری آب خورد و گفت: اُخی. اُخیک گفت: با عرض سلام مجدد، دیگر چه می‌خواهی بابا خارکن؟ بابا خارکن گفت: هیچ فکر نکرده‌ای که من و عیالم این همه راه را چطور باید برویم؟ یک اسبی، قاطری چیزی... اُخیک خنده‌ای کرد و گفت: یک بنز شش در مشکی با راننده اختصاصی برای خودت بخواه و یک لیموزین آلبالویی هم برای عیالت.

وقتی خارکن روی صندلی گرم و نرم و چرمی بنز نشست و تا کمر توی آن فرو رفت، خوش‌خوشانش شد و گفت: اُخی. دوباره اُخیک سر از آب به در آورد و گفت: بابا خارکن، این دفعه دیگر خودم میدانم چه می‌خواهی. بیا این یک دفتر چه پس‌انداز چند میلیون دلاری در بانکهای سوئیس. اینهم یک تعداد سند و بنچاق که به درد روز مبادایت می‌خورد. بعد از این واقعه بابا خارکن و دختر شاه پریان، رفتند که با هم زندگی خوب و خوشی داشته باشند.

خلاصه پرونده اتهامی: نام: بابا. شهرت: خارکن. موارد اتهام: کسب درآمدهای بادآورده، داشتن روابط نامشروع با خانم دال‌شین‌پ. معروف به دختر شاه پریان، جعل اسناد دولتی. متهم به هزار بار حبس ابد محکوم می‌شود.

اما بشنوید از بابا خارکن که همان روز اول که داشت توی زندان آب‌خنک می‌خورد، طبق عادت زیر لب گفت: اُخی. اُخیک، سلطان هفت دریا از توی لیوان آب خارکن، بیرون آمد و ترتیب آزادیش را داد. بابا خارکن الآن دارد با خوبی و خوشی با دختر شاه پریان زندگی می‌کند.

ما از این داستان نتیجه میگیریم که آدم بعد از آب خوردن، بگوید: «آخی» (غلاغه به خورش نرسید، زرویی، ص: ۱۰۳).

از دیگر موضوعات روزی که زرویی در قالب قصه بآن پرداخته، میتوان به این موضوعات اشاره کرد: انرژی هسته ای (ص: ۴۵)، قاچاق کالا (ص: ۸۹)، امداد خودرو (ص: ۵۹)، انتقاد به بیقدر بودن علم و سواد (ص: ۲۱۰)، تکریم پدر و مادر (ص: ۲۹)، اینترنت و تهدیدهای آن برای جوانان (ص: ۳۵)، مشورت در باب مصالح ملی و میراث فرهنگی (ص: ۴۱)، انتقاد به نهادهای تصمیم‌گیر در کشور (ص: ۱۲۵)، انتقاد به سرانه مطالعه (ص: ۶۵) و موضوعاتی دیگر.

زرویی در این داستانها با بهره‌گیری از ایجاز و ضرب آهنگ سریع، خواننده را به هدف انتهایی داستان که برای مخاطب ملموس است، هدایت میکند. همچنین مکانها و اشخاصی که زرویی در آثار خود از آنها نام میبرد، در تمام آثارش بصورت مشترک حضور دارند و یادآور فضای داستانهای عامیانه ایرانی هستند. زرویی با ابتکار عمل خود توانسته است در پایه ریزی موضوعات امروزی در قالب قصه‌های کهن، دست به خلق مکانهایی بزند که این مکانها منحصر بیک اثر نیست.

۲-۱ کاربرد اسامی خاص به تقلید از متون کهن

بعضی از واژگان که در متون ادبیات فارسی شناخته شده و سابقه کاربرد دارند، در طنز زرویی نیز بهمان نام و مشخصات ذکر شده است. بعنوان مثال، جابلسا و جابلقا در آثار وی بنام دو مکان اشاره دارد که نمادی از سرزمینی مبهم و درعین حال آرمانی است و زرویی آن را در برابر ولایت غربت (ایران زمین) قرار میدهد، تا بر اساس آن طنز خود را گسترش دهد. این اسامی بهمین معنا در آثار قدمایی چون شیخ اشراق و سنایی غزنوی نیز قابل مشاهده است.

مکن در جسم و جان منزل، که این دون است و آن والا

قدم زین هر دو بیرون نه، نه آنجا باش و نه اینجا

سخن کز روی دین گویی، چه عبرانی چه سریانی

مکان کز بهر حق جویی، چه جابلقا، چه جابلسا

(سنایی غزنوی، ص: ۵۸)

این ویژگی فقط شامل برخی از اسامی مکان شده و برای شخصیت‌های طنز او مصداقی ندارد. شخصیت‌های او عبارتند از: آقا ملول، پسر شاه پریان (آشنای نسیب به دختر شاه پریان)، ننه قمر، رستم علی خان، نخودی، باباخارکن، خواجه الماس، حکیم فرزانه است. وی برای نامگذاری بعضی از شخصیت‌های داستانهایش از نام حشرات و جانوران استفاده کرده است که نتیجه مطالعات وی در فابلها و مثلهاست. اسامی چون: مار، گرگ، شپش و

خاله سوسکه از این قرارند. «سه شپش بودند در ولایت جابلقا که با فلاکت و بدبختی زندگی میکردند. یکروز یک جلسه مشورتی گذاشتند که با هم مشورت کنند که ببینند چطوری میتوانند از این وضعیت خلاص شوند» (همان، ص: ۱۷۷).

۲- در آمیختن گونه‌های تاریخی زبان

«اگر یک سبک یا گونه زبانی تاریخی را برای بیان مفاهیمی از شرایط تاریخی دیگر بکار گیرند، سخن طنزآمیز میشود» (سبک‌شناسی، فتوحی، ص: ۳۸۶). در آمیختن گونه‌های تاریخی زبان، حاصل ناسازگاری گفتمانی در بافت سخن است. گفتمان مجموعه‌ای از عناصر متنوع است که با نیروهای فرهنگی و اجتماعی متعددی پیوند می‌خورد. هر گفتمان شکلی از سخن است با عناصر زبانی و نشانه‌شناسیک مشخص که تعلق به موقعیت اجتماعی خاصی دارد. در آمیختگی دو گفتمان، ناهماهنگی و ناسازگاریهای درهم تنیده‌ای را بر ملا میکند که در آمیختن گونه‌های تاریخی زبان یکی از انواع آن است. کاربرد این ویژگی در سبک شناسی زرویی نصرآباد به دو هدف ایجاد شده است:

۱-۲ باورپذیری داستان برای مخاطب

زرویی نصرآباد، با پیروی از این ویژگی زبانی آن را در جهت آفرینش طنزی فاخر و موثر بکار برده است. وی با استفاده از عناصر گفتمان قاجاری، مخاطب خود را مجاب می‌سازد که با داستانی حقیقی روبروست نه طنز. هرچند که در روند رو به جلوی داستان و مرور زمان، خواننده متوجه طنز و خیالی بودن آن میشود.

«خاطرات حضرت استادی، حسنعلی خان مستوفی» نام جدیدترین اثر از زرویی است که در آن کوشیده است تا با نقد بر کتب خاطره نویسی، خوانندگان این آثار را متوجه عدم اعتبار محتوای بسیاری از این آثار کند. زرویی با خلق دو شخصیت خیالی بنامهای حسنعلی خان مستوفی که دارای اختلالات خودبزرگ بینی است و میرزا حسین پیشکار که وظیفه خدمتگزاری و تحریر خاطرات حسنعلی خان را دارد، به روحيات خودبزرگ بینی ایرانیان و خطرات ناشی از آن پرداخته است.

زرویی در این سبک از بیان خود با بهره‌گیری از زبان قاجار، سعی کرده است تا این شخصیت خیالی را برای خواننده باورپذیر سازد. با خواندن این خاطرات بهیچ وجه متوجه، خیالی بودن آن نمیشویم و گاه این داستان چنان به واقعیت نزدیک میشود که مجاب میشویم در کتب تاریخی بدنبال هموطنی دانشمند و خارق‌العاده بنام حسنعلی خان مستوفی بگردیم.

در بخشی از این کتاب، متن تلگرافی ملکه بریتانیا به حسنعلی خان، که نشان از سبک شناسی منحصر بفرد زرویی در بکاربردن گونه‌های تاریخی زبان است، با طنزی بدیع همراه شده است. گفتمانی که یادآور زبان ادبی دوران قاجار است: «با بهترین سلامها و آرزوها.

معلوم آن بزرگوار بوده باشد که ذوق زیارت مکتوب حضرتعالی ما را از خود بیخود کرده، مایه مباحثات بین الاقران گردید. بیت: من چه در پای تو ریزم که سزای تو بود، سر و جان را نتوان گفت که مقداری هست. آنقدر هست که روح کوچک خود را ضمیمه این نامه کرده، جهت آن عالیجناب میفرستم. مصرع: بنگر که از کجا به کجا میفرستمت. این ضعیفه دست و پا شکسته، دست خود را که مصرع: با شد که بینم آن را در گردنت حمایل، به جانب آن حضرت دراز کرده و استدعا دارد که کرانه نهر طمس (رودخانه تایمز) را بقدم مبارک متبرک و جانهای خسته دلان را شاداب فرماید» (خاطرات حسنعلی خان مستوفی، زرویی، ص: ۲۷).

۳- استفاده از قالب شعر نو برای بیان مضامین تکراری

از دیرباز ذکر انتقاداتی پیرامون مشکلات اقتصادی، نارسایی خدمات شهری، مشکل ازدواج جوانان و مسائلی از این قبیل، پای ثابت مجلات فکاهی در بیش از شش دهه اخیر بوده است. چنانچه بررسی مجلاتی چون توفیق، خورجین و گل آقا خود شاهدهی بر این ادعا هستند. زرویی نیز که خود پرورش یافته چنین مکتبی است، با تکرار این موضوعات کار خود را در مجلات و ستونهای طنز شروع کرد. با این وجود، قریحه سرشار و استعداد ذاتی وی او را از مقلدی چشم و گوش بسته به طنزپرداز مبتکر و خلاق تبدیل کرد.

یکی از بهترین آثار زرویی در بیش از سه دهه فعالیت در عرصه طنز، مجموعه اشعار نویی است که با مهارت هرچه تمام تر سروده و نشان داده است طبع وی سرشار از خلاقیت است. مهارت وی در نوگویی، شنیدن این مضامین تکراری را نیز خواندنی و جذاب کرده است. مضامینی چون: رشوه خواری، وسایل نقلیه عمومی، حقوق کارمندان، هزینه های بالای زندگی، کشمکش مالک و مستاجر، اعتیاد، جنگ عروس و مادرشوهر و امثال آن مضامین اصلی آثار طنز و شوخ طبعی را در غالب مجلات فکاهی تشکیل میداد. زرویی نیز در آثار اولیه خود به آنها پرداخته است. رد پای بیان این مسائل را از مجله فکاهی توفیق در دهه چهل خورشیدی تا هفته نامه گل آقا در دهه هفتاد میتوان مشاهده کرد. بیان سه طنز منظوم از یک موضوع واحد (گرانی میوه)، توسط سه طنزپرداز، قضاوت را در خصوص شیوه موثر بیان مطلب، در هر کدام آشکار میسازد:

الف) ابوالقاسم حالت با نام مستعار خروس لاری، یکی از نام آشناترین طنز پردازان معاصر است که نوشته های او، سالها پای ثابت روزنامه فکاهی توفیق بوده است. وی در شعر طنزی با عنوان «زبان میوه ها» به گرانی میوه اشاره دارد:

گر میوه جات نیز تلاش زبان کنند	شاید که وضع خویش بدینسان بیان کنند
گوید تو را انار که هر دانه من است	چندان گران که دانه لعلش گمان کنند
گوید به فیس و باد گلایی که بنده را	هم قیمت گلاب و هل و زعفران کنند

با ناز و طعنه خریزه گوید که مفلسان آن به که بگذرند ز من فکر نان کنند
(دیوان خروس لاری، حالت، ص: ۱۵۵).

ب) نمونه دوم نیز شعری است با همین موضوع که در هفته نامه گل آقا توسط طنزپردازی با نام مستعار «اخفش» سروده شده است:

بهترین داروی سرماخوردگی میوه باشد با هزار و یک دلیل
میوه را هرکس خورد گردد قوی گرچه باشد لاغر و زار و علیل
در جراید خواند این گفتار را کارمندی زار و بی پول و علیل
نان خالی هم به سختی میشود قسمت ما با حقوقات قلیل
(هفته نامه گل آقا، ص: ۱۱).

ج) نمونه سوم نیز شعری از زرویی در همین موضوع است. زرویی این موضوع تکراری را که تا عصر حاضر بعنوان موضوع مبتلابه اقشار آسیب پذیر که بدلیل نابسامانی اقتصادی به آن دچارند را در قالب شعر نو، رنگ و جلایی دیگر میدهد.

«با سبد رفتم به میدان، صبحگاهی بود
میوه ها آواز میخواندند:
های ای آقای خوش تیپ جوان، آهسته تر، برگرد
هان بیا بنشین تو اینجا پیش ما چمباتمه گانه، بی چک و چانه
بعد راحت حجم ما را پیش بینی کن
لمس کن ما را یکایک با نگاه خواهری، در دست
بعد هم بفشارمان با شست، از میان ما سوا کن راحت و آرام و بیتعجیل
تک به تک بگذار در زنبیل
من جلو رفتم
و کمی احوالپرسی کردم از ایشان:
هان سلام ای سبب
ای شریف آبادی هیکل درشت از من سلامت باد
و شما ای کیوی و زردآلو و گیلاس
و تو آنک ای خیار تُرد و گل بر سر
قامتت باریک باد و قیمتت ارزان.» (رفوزه ها، زرویی، ص: ۵۹).

با مقایسه سه شعر طنز، آنچه مشهود است این است که در شعر اول شاعر با بیان تشبیه، بصورت مستقیم به گرانی بیش از حد میوه اشاره میکند. در شعر دوم نیز با اشاره به قشر کارمند بعنوان نمونه‌ای از اقشار آسیب پذیر جامعه، هدف غالب، بیان گرانی و تورم است. اما

در شعر سوم، زرویی که با آسیبها و مشکلات اقتصادی جامعه آشناست، میکوشد تا این مسائل را بصورت توصیفی و با بیانی غیر مستقیم بیان کند. او میداند که اشاره مستقیم به این معضلات، کام مخاطبان را تلخ میسازد. او بعنوان طنزپرداز رسالت خود را در این میبیند که با بیان چندباره این مسائل، کام مخاطب خود را تلختر نسازد، بلکه بیان این مسائل را دستاویزی برای انبساط خاطر مخاطبان خود قرار دهد و بجای یادآوری گران بودن مایحتاج مردم، آرزو کند که اجناس ارزان شود. این همان نکته‌ای است که خود نیز به آن اذعان دارد:

ای خدا رحم کن به چشم ترم	که ز شیطان سیاه نامه ترم
کرده ام سالها چو بیخبران	گریه با خویش و خنده با دگران
رنجها برده ام که با ترفند	بنشانم بخاطری لپ‌خند
بارها نقد مشکلی بین	باز گفتم بشیوه ای لپین
سعی کردم که جمله سردی	ننشانم بخاطری گردی
اگر این نکته، فاش یا گم بود	سعی من در نشاط مردم بود

(رفوزه‌ها، زرویی، ص: ۲۲۲).

در اشعار طنز زیر نیز علاوه بر بیان مشکلات و نابسامانیهای اقتصادی، نگاهی توصیفی و نشاط‌آوری به این مسائل دارد، چنانچه در قسمتهای آغازین هر شعر، مطلع اشعار بگونه‌ای است که خواننده را در مواجهه با شعر طنز به شبهه میاندازد:

«اندوه سایه‌های هیاهو
در کوله بار حجم تفکر
سلول خنده آور صبحی سیاه بود
آهسته میرود صف ناپیدا
تا خالیای مخزن مرغ آلود
با حالتی غم آور و پشم آگین
اینجا صفی دراز و هم‌هنگ است
اینجا دلم گشاد و فضا تنگ است
آنجا کنار مدخل قصابی

گوی برای مرغ یخی جنگ است» (رفوزه‌ها، زرویی، ص: ۱۶).

۴- در آمیختن گفتمانهای مشهور

«هرگونه اقتباسی از سبک هنری پیشین را میتوان نقیضه خواند. اما نقیضه در معنای خاص و دقیق آن عبارت است از بکارگیری آگاهانه، آبرونیک و کنایه آمیز یک الگوی هنری دیگر» (دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر، مکاریک، ص: ۴۳۷).

نقیضه یا پارودی، نوعی نوشتار تقلیدی است که یک گفتمان شناخته شده را الگو و پایه کار خود قرار می‌دهد و گاه ویژگی‌های عمومی یک نوع ادبی یا یک سبک را به بازی می‌گیرد. نقیضه در سبک‌شناسی آثار زرویی نصرآباد بیشترین بسامد را بخود اختصاص داده است. شگردی که از درآمیختن دوگفتمان حاصل می‌آید. مهدی اخوان ثالث در پژوهشی جامع در کتاب نقیضه و نقیضه سازان، نقیضه را دارای دو نوع جد و هزل دانسته و غرض از کاربرد آن در ادبیات کلاسیک عرب را «تنها استهزاء و مسخره کردن محض» (نقیضه و نقیضه سازان، اخوان ثالث، ص: ۱۱۶) میداند. نقیضه در ادبیات فارسی و بخصوص اشعار طنز زرویی نصرآباد بیشتر بواژه پارودی در اصطلاح غربیان شباهت دارد. «نقیضه ای که بحث اصلی ما درباره آن است و بمثابة نقطه مرکزی این جستجو، غالباً نقیضه جد نیست، بلکه ما درباره نقیضه هزلی و هجایی و اغراض و اقسام و چند و چون آن - که فرنگیان به آن پارودی می‌گویند- تحقیق میکنیم» (همان، ص: ۱۵).

اهمیت نقیضه بدان حد است که بعضی آن را بعنوان «روشی برای آموزش طنز» (سبک‌شناسی، فتوحی، ص: ۳۸۹) و شیوه‌ای کارآمد در تمرین طنزنویس و آموزش سبک خلاق دانسته‌اند.

۱-۴ آشنایی و تسلط بر متون پیش‌الگو

با بررسی نقیضه در طنز زرویی، متوجه اغراض اجتماعی و انتقادی بسیار گسترده آن میشویم. نخستین آثار طنز زرویی که سبب شهرت وی در طنزنویسی شد، بوسیله شگرد نقیضه‌گویی خلق شده‌اند. «تذکره المقامات» نام یکی از ستونهای طنز گل آقا بود که در آن شرح حال طنز شخصیت‌های سیاسی ایران بچاپ میرسید و مبتکر آن نیز زرویی بود که با نام مستعار «ملانصرالدین» در هر شماره با پیش‌الگو قراردادن سبک عطار نیشابوری در تذکره الاولیاء، یکی از شخصیت‌های سیاسی شناخته شده را نقد میکرد. نقاط قوت زرویی در نقیضه‌گویی، آشنایی و تسلط قابل قبولی است که وی نسبت بالگوهای مورد تقلید خود دارد. عدم آشنایی با صور و محتوای متون مورد تقلید در نقیضه، کلام و متن تقلیدی را برکاکت کلام میکشاند.

نقیضه زیر عنوان نمونه ای از نقیضه پردازی وی در ذکر کمال خرازی، وزیر امور خارجه وقت گفته شده است:

«آن مرد نیکو سرشت، آن بازیچه سرنوشت، آن لایق جهانبانی، آن آیت سخندانی، آن شیفته بلند پروازی، مولانا کمال الدین خرازی -ایده الله تعالی- در طنز گویی از اساتید اهل فن بود و حریف هزار تا مثل من بود. گویند: زمانی در سازمان ملل با سران کفار مباحثت و مجادلت میکرد و اصحاب، شرح کراماتش با کفار میگفتند. پس کفار پرسیدند: یا شیخ، ما را بر مرتبت تو رشک می‌آید، واگو تا با چه بدین جا رسیدی؟ گفت: بدین جا که هستیم؟»

گفتند: آری. گفت: با طیّاره. پس همگی بر درایت او آفرین کردند. چون این حکایت با مولانا جلال‌الدین رفیع گفتند، گفت: آبروی مان رفت. این قضایا پیش مولانا ولایتی باز گفتند، گفت: دمش گرم که راست گفت. لیکن نگفت که این، در حق کمال گفتم یا جلال.

۲-۴ بهره‌گیری از نقیضه جهت ارائه طنزهای فلسفی و جهان‌شمول

همانطور که گفته شد، طنز تذکره‌المقامات با بهره‌گیری از شگرد نقیضه‌گویی بعنوان اولین آثار طنزپردازی زرویی، موجب شهرت وی در این زمینه شد. نکته قابل توجه در نقیضه‌گویی در آثار زرویی آنست که هرچند نقیضه‌گویی، شگردی طنزآفرین است، اما نوعی تقلید بشمار میرود. زرویی در نقیضه‌های نخستین خود با انتخاب الفاظ و چهره‌های شناخته شده سیاسی و اجتماعی، خود را در حصار محدودیت قرار داده، بطوریکه این دسته از نقیضه‌های وی مشمول مرور زمان و تاریخ مصرف شده است. تقریباً تمام چهره‌هایی که وی در تذکره‌المقامات نقیضه گفته است، امروزه به دور از مناصب گذشته خود بسر می‌برند و از اشتهار برخوردار نیستند، بهمین دلیل این نقیضه‌گوییها نیز علیرغم کلام فاخر آن دارای تاریخ مصرف گردیده و به فراموشی سپرده شده است. وقوف به این اشکال سبب شده است که زرویی در آثار بعدی خود، با دقت بیشتری عمل کند و خود را در حصار مسائل سیاسی و شخصیتها محدود نسازد. و از این شگرد در خدمت طنزهای فلسفی که از گستردگی و شمول بر کلیات رفتار انسانی برخوردار است، استفاده کند.

در بین آثار طنز زرویی، روزه‌ها از بیشترین بسامد نقیضه‌گویی برخوردار است. وسواس در انتخاب موضوع، انتخاب پیش‌الگوهای فاخر و آشنا برای خواننده و روانی کلام زرویی، سخن او را به صفت سهل و ممتنع بودن رسانده است و شاید به همین دلیل است که زرویی بیشترین الگوهای نقیضه‌سرایي را در بین شاعران، از آثار سعدی شیرازی انتخاب کرده است.

نمونه زیر با نام «حکایت شراکتی» از نقیضه‌گوییهای زرویی بر شعر سعدی است که نشان دهنده، دست یافتن زرویی به سبکی شخصی در زمینه نقیضه‌گویی است، سبکی که بمرور زمان و بر اثر تجربه حاصل شده است و طنزی فلسفی با قابلیت جهان‌شمولی از ویژگیهای آن است. در نقیضه زیر ابتدا سه بیت از سعدی به عینه بیان و در ادامه نقیضه آن را آورده است:

سگی پای صحرا نشینی گزید	به خشمی که دندان ز زهرش چکید
شب از درد بیچاره خوابش نبرد	به خیل اندرش دختری بود خرد
پدر را جفا کرد و تندی نمود	که آخر تو را نیز دندان نبود
برآشفته شد مرد صحرا نشین	بگرد اندر آن دشت چندی کمین

شد از دور پیدا، سگ سرفراز
ز جا جست و دمب درازش گرفت
سگ بینوا با تنی زخم‌وزار
بمالید بر زخم پا پوزه‌یی
بگفتا: که من اهل یکرنگی ام
مرا رنج از این علت بعدی است
بگوشی بلند و به دمبی دراز
دمر کرد سگ را و گازش گرفت
ز صحرانشین کرد آخر فرار
کشید از سر بی کسی زوزه‌یی
خبثت نشد موجب لنگی ام
که پنداشتم دوره سعدی است
(رفوزه‌ها، زرویی، ص: ۶۷).

این همان سبکی است که زرویی بمرور زمان بدان دست پیدا کرده و شگرد خود را برای موضوعات عام که در هر زمانی قابلیت دارند، بکار برده است. هرچند که بعضی از این موضوعات بگمان برخی ممکن است، سطحی و خالی از ارزش‌های معنوی باشد، ولی باید توجه داشت که رسالت طنزپرداز، دیدن درد مردم و مرهم نهادن بر آن و «اصلاح پلیدیهاست» (طنز، پلارد، ص: ۵).

۳-۴ نقیضه از چند شاعر در یک شعر

همچنین در شعر نو دیگری با نقیضه‌ای استادانه و ترکیبی بر شعر سه شاعر، به ترتیب: حافظ، شاملو و مولانا بمسأله کمبود تاکسی در سطح شهر اشاره دارد:

«ظهر است ساقیا

آنک کلاغ را

با گوشه‌های خویش

در های‌های خنده شعبان نظاره کن

شعبان سخن نگفت

بلکه هوار زد

آی تاکسی بایست

تاکسی فرشته بود که با آگزوزی خراب

می رفت لاکتاب

اکنون زنش رباب

در ایستگاه نشستست

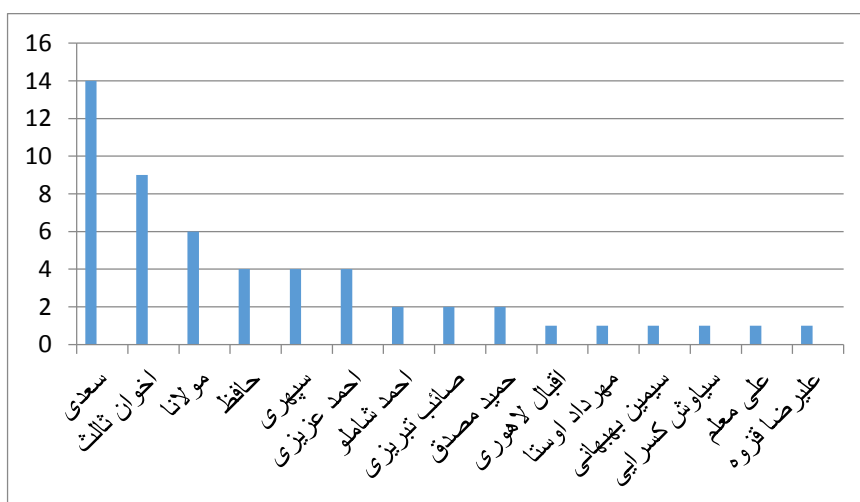
غمناک و بیقرار

میگوید آن رباب که مردم ز انتظار

تاکسی بز کنار» (همان، ص: ۲۷).

در جدول زیر، فراوانی و تنوع شعریایی که زرویی برای نقیضه‌گویی به شعر آنان نظر

داشته است، مشاهده میشود. این جدول بر اساس استخراج بسامد نقیضه گویی در کتاب رفوزه هاست که نسبت بدیگر آثار زرویی از حجمی قابل توجه (۴۳۵ صفحه) برخوردار است و شامل تجمیع سه اثر وی تحت نامهای اصل مطلب، خودمانیها و افسانه‌های امروزی است، که با نام رفوزه‌ها چاپ شده است.



۵- استفاده از زبان محاوره و بیانی عامیانه:

از ویژگیهای سبکی زرویی، استفاده از بیانی محاوره‌ای با گفتمانی عامیانه است. زرویی که در بستر مجلات طنز دهه شصت نشو و نما یافته است، در این سبک، میراث دار گروهی از بهترین طنزپردازان از مشروطه تا انقلاب است. چنانچه بسیاری از طنزپردازان موفق در این شیوه هنرنمایی کرده‌اند و «نخستین نویسنده‌ای که زبان محاوره را در نثر فارسی وارد کرد، علامه دهخدا بود» (بررسی و تحقیق در ادبیات معاصر، سید جواد، ص: ۱۰۴). این سبک از بیان زرویی با بسامد بالایی در قریب باتفاق آثارش مشهود است. «اصل مطلب» وی نمادی از طنز با بیان عامیانه دانست. زرویی به فرهنگ مردم اهمیت میدهد و میداند که «طنز در بستر فرهنگ حرکت میکند و طنز نویسی که بر فرهنگ مردم سوار نباشد، پیاده است» (کتاب طنز ۶، موسوی، ص: ۲۲).

زرویی در اصل مطلب، خود را قابوس شاه و پسرش را گیلانشاه خطاب میکند و با زبانی عامیانه او را بعنوان نمادی از جوانان این سرزمین پند و اندرز میدهد. عموم اندرزهای زرویی به فرزند، بر محور عیوب سیستم اداری کشور و چگونگی پیشرفت در این سیستم است. گفتمانی که عموماً همراه با کنایه است. وی جهت جذابتر شدن سبک خود، وزنی

مطلوب و جذاب مثل بحر خفیف مخبون محذوف (فاعلاتن مفاعیلن فعّلتن) را نیز برای این گفتمان انتخاب کرده است.

میرود از فرشته بالاتر	پسرم گاه میشود که بشر
بخدا شکوه میبرد شیطان	همچنان میشود که از انسان
آدمی میدهد به شیطان درس	از خدا گر نباشد اصلاً ترس
کارها میکند بیا و ببین	گر، به قدرت رسد چنان و چنین
غافل از اینکه هست فردایی	نکند اعتنا به کس جایی
پشت انسان، دعای خیری نیست	در نهایت سلوک و سیری نیست
بخدا یک قران نمی‌ارزد	آن ریاست که خیر از او پرزد

(رفوزه‌ها، زرویی، ص: ۲۱۶).

اغلب اشعار طنز زرویی برای نخستین بار در ستونهای طنز مجلات به چاپ رسیده است. وی در اصل مطلب، پنجاه مطلب اصلی را خطاب به فرزند کوچک خود سروده، مطالبی که روزانه خوراک یکی از شمارگان مجله همشهری بوده است. زرویی با انتخاب مطالب متنوعی که در بشر عمومی و فراگیر است، مثل خیر، شر، حرص و آز توانسته است خود را از روزمرگی و سلطه طنز ژورنالیستی نجات دهد. کاری که در آن تا حدود زیادی توفیق یافته است. در شعر زیر با کنایه به سیستم معیوب اداری کشور از پرسرش می‌خواهد که اگر به پست و مقامی رسید، اقوام و خویشان را به کارهای خطیر بگذارد. بیان این سفارشات با بیان عامیانه، باعث لذت و جذابیتی مضاعف شده است:

وقت تقسیم کار جان پدر	فک و فامیل را ز، یاد نبر
آن گروهی که بیخ ریش تواند	فک و فامیل و قوم و خویش تواند
بعد قرنی پلو به دیس شده	یک نفر بین ما رئیس شده
عرصه را خوب پاکسازی کن	بنشین بعد خاله بازی کن

(همان، ص: ۲۵۷).

استفاده از مظاهر و عناصر فرهنگ عامه نیز در آثار زرویی از دیگر نشانه‌های استفاده وی از فرهنگ عامه است. کلماتی چون: گول، دختر شاه پریون، طوطیان شکر شکن، چراغ جادو و... با بسامد قابل توجهی در آثار وی تکرار شده اند. «در کتب تاریخی آورده اند که یک گول بیابانی بیشاخ و دمی پیدا شده بود در ولایت غربت، هر کس که میخواست از ولایت غربت برود بولایت جابلقا، جلو راهش را میگرفت و نمیگذاشت رد بشود» (غلاغه به خورش نرسید، زرویی، ص: ۱۲۳).

۵- استفاده از ارسال المثل و تمثیل

ضرب المثلها از نمادهای قابل توجهی است که در بستر فرهنگ عامه شکل گرفته است. یکی از نکاتی که در سبک‌شناسی آثار طنز زرویی، نمایان است و جلب توجه میکند، مثلها هستند. زرویی برای آنکه به لطف و شیرینی سخن خود بیافزاید، مثلها را بسیار خوب و بجا و با بسامدی قابل توجه در متن و شعر خود جای داده است. ضرب المثل در سبک وی بصورت ارسال مثل و تمثیل وجود دارد.

باید توجه داشت که «ارسال مثل با تمثیل متفاوت است. ارسال مثل، کاربرد ضرب المثلی است که از قبل وجود داشته است، اما تمثیل تنها ذکر مثالی است برای اثبات یا استحکام اندیشه‌ای» (کاربرد ضرب المثل‌های فارسی در شعر بیدل، ذوالفقاری، ص: ۲). زرویی بقدرت طنزآفرینی از طریق ظرفیت بالای ضرب المثل آگاه است و میداند که «ضرب المثلها به دلیل ویژگیهای زبانی و مولفه‌های معنایی و زیبا شناختی، انواع خاصی از طنز را ایجاد میکنند» (رویکرد چند رشته‌ای بر وجوه طنز در امثال و حکم دهخدا، مظفری، ص: ۵). بسامد ارسال المثل در شعر طنز زرویی بسیار قابل توجه است. مثل‌های مورد استفاده زرویی بر دو قسم اند:

۱-۷ استفاده از ضرب المثل‌های رایج

گاه عین مثل و مضمون را در شعر خود آورده است. ضرب المثل‌هایی که برای مخاطب آشناست و شیوه ماهرانه زرویی در بکارگیری آن، خواننده را به وجد می‌آورد. ابیات زیر خود گویای هنر و زبان طنزآزانه زرویی است. این ابیات همگی از کتاب رفوزه‌های وی نقل شده است:

عقل مردم بچشم ایشان است	ص ۲۵۴: گرچه ایمان به قلب انسان است
خوشتر از لعنت و کباب بره	ص ۲۸۱: پیش ما نان نیک و تره
چقدر بچه ات بزرگ شده	ص ۳۴۱: عاقبت گرگ زاده گرگ شده
باز گویند هیزمش تر بود	ص ۴۰۱: به جهنم اگر کنند ورود
متشبهت شود بکل حشیش	ص ۴۲۴: آدمیزاد غرقه در تشویش

۲-۷ ساخت جملاتی با قابلیت تمثیل

آوردن جملات و کلماتی که مورد قبول و تاثیر در مخاطب شود و کاربردی چون مثلها را پیدا کند، میتوان نمادی از دست یافتن به سبکی شخصی و موفقیت زرویی نصرآباد دانست. ابیات زیر بعنوان شاهد مثال آورده میشود:

ص ۴۳۰: توی این دوره شلوغ و پلوغ	ص ۴۳۰: میتوان یافت از دروغ، فروغ
ص ۴۰۰: خواندن جزوه‌های بی منبع	ص ۴۰۰: هست مصداق علم لایمنع

ص ۳۹۹: فرق دارند در عمل، بیشک	اطلبوا العلم و اطلبوا لمدرک
ص ۲۵۵: مردا بدون میز هم عزیزن	رفوزه‌ها همیشه پشت میزن
ص ۲۹۶: روی لبِت خوبه تبسم با شه	دفتر کَرِت دل مردم باشه

نتیجه‌گیری

ابوالفضل زرویی نصرآباد بدلیل ممارست، داشتن استعداد طنز و بیش از سه دهه فعالیت در این نوع ادبی، صاحب سبکی شخصی شده است. آشنایی با متون کهن ادب توانسته است او را در نقیضه‌پردازی‌هایی که بتقلید از این آثار داشته است، موفق بدارد. چنانچه نقیضه‌گویی به شگردی غالب در آثار وی تبدیل شده است. سالها کار در مجلات طنز در کنار اساتید این فن، تجربیات ارزشمندی را به توانایی‌های او اضافه کرده است، چنانچه استفاده مناسب و موثر از زبان محاوره و فرهنگ عامه را میتوان تحت تاثیر آن دوران دانست.

آثار نخستین زرویی مثل «از هر دری» تحت تاثیر فضای روزگار خود و نیاز جامعه به انتقاد از مسائل رایجی چون گرانی مایحتاج مردم، انتقاد به مسئولان شهری، آسفالت نامناسب خیابان، مشکلات ازدواج و اشتغال جوانان و مسائلی از این دست، پرداخته است. مسائلی که ردپای آن را بصورت کمرنگ‌تر تا به امروز نیز در آثار طنز وی میتوان مشاهده کرد. بیان این قبیل مسائل که بسامد زیادی در شعر طنزپردازان آن زمان داشته است، گاه موجب ملال و آزرده‌گی خاطر میشود، ولی زرویی نصرآباد با بیان این مسائل تکراری در قالب اشعار نو و بیانی جدید، کوشیده است تا با بیانی توصیفی و غیرمستقیم سبک خود را از دیگر گویندگان و منتقدان جدا سازد.

یکی از توفیقات و رموز ماندگاری و جذابیت طنز زرویی، بکاربردن واژگان قدیم در معانی جدید و گاه واژه‌سازی‌های بدیعی است که مورد قبول خواننده واقع شده است. کاربرد واژگان کهنی چون «جابلقا» و «جابلسا» مثالهایی از کاربرد واژگان در معانی جدید هستند. این واژگان در ادبیات کهن و بخصوص در کلام شیخ اشراق و سنایی غزنوی، معانی خاص خود را دارد ولی در طنز زرویی بعنوان دو ولایت دور از ایران است که دارای تمدن و پیشرفت در زمینه‌های علمی و ادبی است و زرویی آنها را مقابل «ولایت غربت» که نمادی از ایران است قرار میدهد تا دستاویزی برای انتقادهای طنزآمیز وی باشد. نمونه واژه‌سازی‌های وی نیز در ساخت جملاتی میتوان مشاهده کرد که بدلیل ایجاز و بارمعنایی فراوان به مثل تبدیل شده است.

منابع

۱. فرهنگنامه ادب فارسی. انوشه، حسن. (۱۳۸۱). تهران: انجمن قلم.
۲. بیست سال با طنز. صدر، رویا. (۱۳۸۱). چاپ اول. تهران: هرمس.
۳. سبک‌شناسی، نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها. فتوحی، محمود. (۱۳۹۱). تهران: سخن.
۴. طنز. پلارد، آرتور. (۱۳۸۱). ترجمه: سعید سعید پور. چاپ دوم. تهران: مرکز.
۵. نقیضه و نقیضه‌سازان. اخوان ثالث، مهدی. (۱۳۷۴). بکوشش: ولی‌الله درودیان. تهران: زمستان.
۶. تذکره المقامات. زرویی نصرآباد، ابوالفضل. (۱۳۷۶). تهران: گل‌آقا.
۷. رفوزه‌ها. زرویی نصرآباد، ابوالفضل. (۱۳۹۰). چاپ اول. تهران: نیستان.
۸. غلاغه به خونش نرسید. زرویی نصرآباد، ابوالفضل. (۱۳۹۰). چاپ دوم. تهران: نیستان.
۹. خاطرات حسنعلی‌خان مستوفی. زرویی نصرآباد، ابوالفضل. (۱۳۹۵). چاپ دوم. تهران: نیستان.
۱۰. بررسی عناصر داستان ایرانی. حداد، حسین. (۱۳۸۷). چاپ اول. تهران: سوره مهر.
۱۱. کتاب طنز. موسوی، سید عبدالجواد. (۱۳۹۰). تهران: سوره مهر.
۱۲. آبرونی. کالین موکه، داگلاس. (۱۳۸۹). ترجمه: حسن افشار. تهران: مرکز.
۱۳. بررسی و تحقیق در ادبیات معاصر. حاج سید جواد، حسن. (۱۳۸۲). تهران: گروه پژوهشگران ایران.
۱۴. کاربرد ضرب‌المثل‌های فارسی در شعر بیدل. ذوالفقاری، حسن. طباطبایی، سید مهدی. (۱۳۹۴). ادب فارسی (مجله دانشگاه تهران). سال ۵. شماره ۲.
۱۵. رویکرد چند رشته‌ای بر وجوه طنز در امثال و حکم دهخدا. مظفری، حمیده. (۱۳۸۹). دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه گیلان.
۱۶. از صبا تا نیما. آراین پور، یحیی. (۱۳۸۲). چاپ هشتم. تهران: زوار.
۱۷. انواع شعر فارسی. رستگار فسایی، منصور. (۱۳۷۲). شیراز: نوید شیراز.
۱۸. هفته‌نامه گل‌آقا. سردبیر: کیومرث صابری فومنی. (۱۳۷۲). سال چهارم. شماره دوم.
۱۹. دیوان خروس لاری. حالت، ابوالقاسم. (۱۳۶۲). چاپ اول. تهران: پارت.
۲۰. سنایی غزنوی. دیوان اشعار. (۱۳۸۱). چاپ اول. با مقدمه: بدیع‌الزمان فروزانفر. تهران: آزاد مهر.